

## جامعه مدنی ، سنگ بنای نظام دموکراتیک

سالنامه شرق، نوروز 1393

سید علی محمودی  
www.drmahmoudi.com

جامعه مدنی (civil society) شامل نهادها و انجمن‌هایی است که داوطلبانه از سوی شهروندان تأسیس می‌شود. این نهادها، خودبنیاد، یعنی مستقل از حکومت است و به آن اتکا ندارد، اما در تعامل با حکومت به سر می‌برد و تلاش‌های جمعی خود را در امور اجتماعی و مدنی در جهت تعمیق و گسترش دموکراسی به کار می‌بندد. اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های زنان، نهادهای زیست‌محیطی و حقوق بشری، انجمن‌های دینی، هنری و فرهنگی، نمونه‌هایی از جامعه مدنی به شمار می‌آیند.

اگرچه نهادهای مدنی از دیرباز به عنوان گرانیگاه فعالیت‌های دسته‌جمعی مردم وجود داشته، اما جامعه مدنی به معنی امروزی، از سده هجدهم میلادی در فلسفه سیاسی جان لاک، ایمانوئل کانت، ژان ژاک روسو و سپس جان استورات میل در سده نوزدهم تبلور می‌یابد. البته فیلسوفی که ادبیاتی سترگ درباره عرصه عمومی (public sphere) به مثابه خاستگاه جامعه مدنی پدید آورد، یورگن هابرماس فیلسوف بزرگ قرن بیستم است.

در عرصه عمومی که قلمروی میان توده‌های مردم و حکومت است، جامعه مدنی و جامعه سیاسی قرار دارند. جامعه مدنی — چنان‌که گفته شد — بیشتر به امور اجتماعی و مدنی می‌پردازد، اما جامعه سیاسی دربرگیرنده احزاب و تشکل‌های سیاسی در راستای به‌دست‌آوردن سهمی از قدرت سیاسی است. دو جامعه مدنی و سیاسی، می‌توانند در همسایگی یکدیگر هم‌زیستی کنند و مکمل یکدیگر در شکل‌گیری جامعه دموکراتیک باشند.

تفوق عقلانیت بر هیجان و احساس، نقطه عزیمت از جامعه توده‌وار و رعیت‌پرور به جامعه‌ای با شهروندان فعال است. در جامعه‌های بدوی و ابتدایی، مردم تبعه و رعیت (subject) اند و هنوز به مقام شهروندی (citizenship) نرسیده‌اند. در این جامعه‌ها، حاکمان، صلاح و فساد، الگوی خیر، سبک زندگی، نظام اخلاقی و نوع باورهای دینی مردم را تعیین و «دیکته» می‌کند، اما در جامعه‌هایی که به آزادی، برابری و حقوق شهروندی رسیده‌اند، قیومیت ابطال می‌شود و مردم به‌مثابه شهروندان فعال، سرنوشت و سررشته امور اجتماعی و سیاسی خود را دست می‌گیرند.

جامعه مدنی، نماد جامعه‌هایی است که از نابالغی و صغارت به درآمده‌اند و به سن عقل رسیده‌اند و به تعبیر خردمندانه کانت، جرات به کار گرفتن فهم خویش را دارند. در این جامعه‌ها، مردم به عنوان اشخاص عاقل، آزاد، برابر و انتخابگر به رسمیت شناخته می‌شوند؛ کسانی که از کرامت ذاتی برخوردارند، دارای حقوق لاینفک انسانی هستند و قدرت سیاسی از اراده‌های به‌هم‌پیوسته آنان سرچشمه می‌گیرد و شهروندان، در چارچوب جامعه مدنی، برخورداری از آزادی، برابری و تصمیم‌گیری دسته‌جمعی را تجربه می‌کنند. آنان به مفهوم‌های بنیادین همانند کشور، قلمرو سرزمینی، ملیت، حاکمیت مردم، منافع ملی و امنیت ملی باور دارند. آنان در عمل، اولویت منافع ملی بر منافع شخصی و گروهی را پذیرفته‌اند و قانون اساسی را سنگ‌بنای نظم اجتماعی و سیاسی و تنظیم مناسبات ملی می‌دانند. این همه، نشان از آن دارد که جامعه مدنی در بستر فرهنگ و فلسفه سیاسی دموکراسی متولد می‌شود و رشد می‌کند. کشورهای استبدادزده در برابر جامعه مدنی مقاومت می‌کنند و توان همراهی و همسازی با جامعه مدنی را ندارند. هر چند بالندگی جامعه مدنی در نظام‌های خودکامه، کاری به غایت دشوار و همانند پاشیدن بذر گندم در شوره‌زار است، اما پیگیری فرهنگ و جامعه مدنی در کشورهای استبدادی از سوی شهروندان فعال و مسئولیت‌شناس، مثل قطره‌های آب است که وقتی به طور مداوم بر سنگ خارا فرو می‌چکد، سرانجام روزی آن سنگ سخت و مقاوم را سوراخ می‌کند و درهم می‌شکند.

### فلسفه شکل‌گیری نهادهای مدنی

چرا به جامعه مدنی که همانند حلقه‌هایی از شهروندان در عرصه عمومی است، نیاز داریم؟ فلسفه شکل‌گیری نهادهای مدنی در جامعه‌های انسانیِ امروزی چیست؟ به باور من، موارد زیر از مهم‌ترین دلایل برپایی نهادهای مدنی است:

1. شهروندان با تاسیس نهادهای مدنی، مرحله جامعه بدوی و توده‌وار و فاقد هویت فردی را پشت سر می‌گذارند و وارد جامعه مدنی می‌شوند که قرارگاه شهروندان ذی‌حق و دارای تشخص انسانی و شهروندی است. آنان در نهادهای مدنی، اطلاعات، آگاهی‌ها و تجربه‌های خویش را به یکدیگر منتقل می‌کنند و به تدریج، در پرتو هم‌اندیشی و هم‌کنشی، به قدرت و مهارت تصمیم‌گیری دست می‌یابند. نهادهای مدنی، زیست‌گاه مسئولیت‌شناسی، مسئولیت‌پذیری، تصمیم‌گیری و کنش‌گری دسته‌جمعی است.

2. شهروندان فعال در جامعه مدنی که در میانه مردم و حاکمیت سیاسی در عرصه عمومی جای گرفته‌اند، درکی مستقیم و بی‌واسطه از ضعف‌ها، قوت‌ها، انتقادات و خواسته‌های مردم دارند. آنان می‌توانند با صورت‌بندی وضعیت

و مطالبات مردم، حاکمان کشور را در چارچوب گفت‌وگو و مذاکره، از خواسته‌های مردم آگاه سازند و به پیگیری مطالبات اجتماعی بپردازند.

3. نهادهای مدنی با ایفای نقش اخلاقی و ملی خود در عرصه عمومی، راه تغییرات و اصلاحات تدریجی و مداوم را در جامعه می‌گشایند. از این‌رو، کشور با متراکم‌شدن نارضایتی‌ها و خواسته‌ها در وضعیت گسست میان مردم و حکومت، به هاویه انفجار و انقلاب فرو نمی‌افتد و شیرازه امور از هم گسیخته نمی‌شود.

4. نهادهای مدنی، مددکار کشور در جهت توسعه از رهگذر افزایش ثبات سیاسی هستند. این نهادهای داوطلبانه و مستقل، با کنشگری در عرصه‌های اجتماعی و حل‌وفصل مشکلات جامعه، از سنگینی بار مسئولیت حکومت می‌کاهند تا حکومت، فرصت و امکان برنامه‌ریزی‌های راهبردی و نظارت بر روندهای منتهی به توسعه متوازن، همه‌جانبه و پایدار کشور را به دست آورد. افزون بر کمک به تحقق هدف‌های ملی، نهادهای مدنی می‌توانند در راه بسط و ارتقاء منافع و امنیت ملی در عرصه سیاست و روابط خارجی، مددکار دولت ملی باشند.

5. تعامل میان نهادهای مدنی و حکومت، به نظام سیاسی کمک می‌کند که از اعتماد و رضایت مردم برخوردار شود. تمام حکومت‌های دموکراتیک، به شدت به اعتماد و رضایت مردم نیاز دارند. در واقع، هم‌اندیشی و همکاری میان این نهادها و حکومت، برای ساختارهای سیاسی کشور، موهبتی عظیم، مثال‌زدنی و بی‌بدیل است.

6. نهادهای مدنی، آموزشگاه تربیت شهروندان انگیزنده، مسئول و کنشگر است؛ افرادی که در سایه گفت‌وگو، تبادل نظر و تصمیم‌گیری، آرام آرام، در کار جمعی و مشترک به توافق و همیاری دست می‌یابند. افزون بر احزاب سیاسی در جامعه سیاسی که با آموزش و کار مشترک، اشخاص با کفایت، مدیر و ورزیده در امر کشورداری و سیاست‌ورزی تربیت می‌کنند، جامعه مدنی نیز می‌تواند خاستگاهی مناسب در امر آموزش و پرورش سرمایه اجتماعی برای توسعه کشور باشد.

7. از آنجا که فعالیت‌های نهادهای مدنی آزادانه و داوطلبانه است، این نهادها در وضعیت بحرانی همانند وقوع جنگ، زلزله، سیل، بیماری‌های همه‌گیر و مانند اینها، می‌توانند با سازمان‌دهی مناسب وارد عمل شوند و به مردم آسیب‌دیده کمک کنند. در این‌گونه وضعیت‌های اضطراری نیز، نهادهای مدنی بخش‌هایی از بار مسئولیت دولت را داوطلبانه به دوش می‌گیرند.

## زمینه ها و ویژگی‌های نهادهای مدنی

نهادهای مدنی در صورتی می‌توانند در ایفای نقش بنیادین خود به موفقیت دست یابند که ویژگی‌های زیر را دارا باشند:

1. چنان‌که گذشت، جامعه مدنی مرکب از نهادهای مدنی، در صورتی در یک جامعه شکل می‌گیرد که فلسفه وجودی و آزادی فعالیت‌های آن از سوی حکومت پذیرفته شود. فقط حکومت‌های قانون‌گرا، دموکراتیک و باورمند به حقوق بشر – که از پایگاه مردمی و اعتماد به نفس لازم برخوردارند – می‌توانند نقش‌آفرینی نهادهای مدنی را پذیرا باشند.

2. در جامعه مدنی، شهروندانی به یکدیگر دست دوستی و همکاری می‌دهند که واجد صفات اخلاقی، مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری دموکراتیک باشند. بدون اعتقاد به این ویژگی‌ها، نهادهای مدنی، اسم‌هایی بی‌مسما و جمع‌هایی متفرق هستند که حداکثر محل حرف و حرف، ادعاهای واهی و لاف‌های خلاف خواهند بود؛ بدون اینکه خشتی روی خشت بگذارند و چراغی را در خانه‌ای تاریک برافروزند.

3. بدون برخورداری از استقلال و خودبنیادی، نهادهای مدنی، حلقه‌هایی مهمل و بی‌حاصل خواهند بود. نهادهای مدنی دربرگیرنده شهروندان داوطلب و مستقل از حکومت‌اند. تأسیس نهادهای مدنی حکومتی و فرمایشی، چیزی جز کاریکاتور نهادهای مدنی نیست و هیچ ثمری برای جامعه‌های انسانی ندارد. نهادهای مدنی تأسیس می‌شوند که کنشگران مدنی در آنها به فعالیت بپردازند، نه اینکه «عامل» (agent) حکومت‌ها باشند. فرق است بین «جامعه مدنی واقعی» که از بستر جامعه بر می‌خیزد، با «جامعه مدنی مصنوعی» که ساخته‌وپرداخته قدرت‌های سیاسی است. اولی، طبیعی، راهگشا و ثمربخش است. دومی، مصنوعی، نمایشی و بی‌حاصل است.

4. جامعه مدنی، اخلاقی و قانون‌مدار است. اگر انگیزه خدمت‌گزاری ملی و احترام‌نهادن به قانون، جای خود را به انگیزه‌های شخصی و زیرپانهادن قانون بدهد، فرصت‌های انسانی را نابود و تباه خواهد کرد. در این صورت، نهادهای مدنی اساساً شکل نمی‌گیرند تا منشأ خدمت و توسعه انسانی شوند. داوطلبان جامعه مدنی باید بدانند که در خلأ دست به تأسیس نهادهای مدنی نمی‌زنند. آنان می‌باید به‌درستی جامعه خود را بشناسند و با ظرفیت‌ها و محدودیت‌های آن آشنا شوند. ظرفیت‌ها را مورد استفاده قرار بدهند و محدودیت‌ها را به تدریج از میان بردارند. عقلانیت و خودبنیادی به کنشگران جامعه مدنی می‌آموزد که با تصمیم‌گیری‌های آرمانی و غیرواقعی و با رفتارهایی که بهانه به دست دشمنان جامعه مدنی می‌دهد بیهوده عرصه را بر خود و نهادهای مدنی تنگ نکنند.

می‌توان به حکومت‌ها اندرز داد که نعمت نهادهای مدنی را شکر بگذارند و غنیمت بشمارند و به آشیانه‌های شهروندان مدنی، آتش نیفکنند تا افراد باهمت، مسئولیت‌شناس و دلسوز، کارهایی اخلاقی و خداپسندانه برای مردم خود بکنند، زخمی را مرهم بگذارند، یتیمی را بنوازند، محیط‌زیست را از آلودگی‌ها بیبرایند و حقوق بشر را دلیرانه پاس بدارند. حکومت‌ها نباید جامعه مدنی را با تهمت‌هایی همانند جاسوسی و بی‌دینی و اخلاگری بدنام کنند. این حربه‌ها مدت‌هاست که به سلاح‌های زنگ‌زده و ناکارآمد تبدیل شده‌اند.

به‌واقع، قابل قبول نیست که کنشگران جامعه مدنی، چشم امید به قدرت‌های خارجی داشته باشند. اگر نهادی مدنی از قدرتی خارجی پول بستاند تا در راه گسترش دموکراسی در کشوری فعالیت کند، باید برای آن نهاد مدنی از صمیم قلب متأسف بود. نهادهای مدنی نه باید به عامل حکومت‌های خود تبدیل شوند و نه به ابزار دست قدرت‌های خارجی. آنان باید به خودشان، به اندیشه و همت و پول اندک خود متکی باشند تا راه‌گذار به دموکراسی را با صبوری، امید و تلاش بیمایند

5. جامعه مدنی فقط دور هم جمع شدن و محفلی تشکیل دادن و حرف و بیانیه صادر کردن نیست. موضوع بسیار مهم و بنیادی آن است که افراد بتوانند هم‌بودی، هم‌اندیشی، هم‌کنشی و هم‌کاری را در نهادهای مدنی تجربه کنند و به شکل مهارت و بُعدی از ابعاد شخصیت مدنی خود درآورند. اگر دیدید که پنج‌نفر به این صورت با هم جمع شدند و نهادی مدنی تشکیل دادند و به‌عنوان نمونه، کلاس درسی برای کودکان بی‌بضاعت دایر کردند، یا وبلاگ و سایتی تأسیس کردند و یا در محله خود همسایگان را به پاکیزه نگاه‌داشتن محیط‌زیست فراخواندند و خود در این کار پیشگام شدند و توانستند در میان مدت و درازمدت به «کار دسته‌جمعی» (و نه فردی) ادامه دهند، بدانید که هسته‌های زندگی‌ساز جامعه مدنی در میان مردم در عرصه عمومی با موفقیت شکل گرفته است. با هر نهاد مدنی که با موفقیت تأسیس شود، گامی در راه ساختن جامعه و نظام دموکراتیک برداشته شده است.